

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا را حمد و سپاس فراوان که فرصتی کوتاه یافتم تا دعا و آرزویم برایتان راه، برایتان بنویسم که: سلام الله تعالی علیکم و رحمته و برکاته.

برادران عزیزم، خواهران ارجمندم، فرزندان دلبندم! آنچه در دل دارم از اشتیاق و آمال و مسائل، با فرصتی که پیش آمده، نسبتی ندارد. چند جمله‌ای انتخاب می‌کنم آنهم اجمالی: در بلادی سخت ناسالم، از شرایط فراوان هدایت خلق، تنها به آرزویی ره یافتم. کوشش کم ارزشم مثمر ثمراتی ارجمند شد که شما عزیزانم هستید. اما همچنانکه معایب خودم، عامل نرسیدن یکایک به رشد مقدور است، مشکلات بیشمار و غالباً پرفشار سالهای اخیر هم آفاتی فتنه‌آفرین بوده. درباره‌ی آرزو و نگرانیم برای شما و نسبت به شما به شعر «باخه نه‌مامه» که کاکه امین با اشعاری دیگر برایتان آورد، مراجعه کنید. اما مسائل پیش آمده، نگرانیم را خیلی بیش از آنکه احتمال میرفت شدّت بخشید. متأسفانه فرصت ندارم هم حسرتم را و هم تذکراتم را بنویسم. پس اکتفا کنم به اینکه: ارزش هر یک از شما به خلوص نیت تقوی آفرینتان است؛ و به مقدار مفید بودنشان برای مردم محروم و مظلوم و سرگردان جامعه‌تان. و اگر از آن نیت، بهره‌ای لازم داشته باشید، هرگز منافذی در ذهن و قلب خود برای ورود و سوسه‌های شیطان باز نمی‌کنید تا اختلاف آراء و نظرها، به اختلاف جهات و تفرّق بینجامد. و اگر فردی، ناتمام بود و موجب شقاق، فرد دیگر که سالمتر باشد می‌فهمد که «تحمل» و حذر از جدل مرضی‌تر است تا برخوردی که در نتیجه‌ی آن، امکان خدمت به بندگان خدا کمتر گردد. در اوضاعی که اکنون شما گرفتار و درگیر آن هستید، محبوبتر در نزد خدا تنها کسی یا کسانی است که به‌خاطر رضای خدا با خدمت به دین و بندگانش، تحمل و گذشتش بیشتر باشد حتی نسبت به اشتباهات و خطاهای مسلم دیگران؛ و برای کم‌ضرر شدن اشتباه‌ها و خطاها، راه دعوت با حکمت و موعظه‌ی حسنه پیماید؛ و خوشوقت و شاکر باشد از تنها کم‌ضرر بودن غیر برای دین و خلق؛ هر چند از او بیگانه یا حتی نسبت به او کینه‌ورز باشد. چنان در اطرافم شرایط حضور نافراهم است که نمی‌توانم جمله‌های نوشته را بازخوانم و درست دریابم چه

نوشته‌ام فَأَوْصِيكُمْ وَ إِيَّايَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْحَذَرَ مِنْ خِدَاعِ الْهَوَى وَ الشَّيْطَانِ (وَ خَالَفِ النَّفْسَ وَ الشَّيْطَانَ وَ اعصِمَا وَ إِن هُمَا مَحْضَاكَ النَّصْحَ فَاتَّهِمِ وَ...<sup>(۱)</sup>).

قبل از اینکه با رحمت الهی همدیگر را ببینیم، مجموعه‌ای از اشعار و نظم‌های سه - چهار سال اخیر را - که تعبیرهای کوتاه‌اند از سخنان طولانی دلم با شما - برایتان فرستادم. شاید با رحمت الهی، مطرح شدن تدریجی آنها در جمع قلوب «زیغ زده»، عاملی باشد، برای رسیدن - یا برگشتن - به آن صفایی که شما هم مانند من آرزویش دارید، یا اگر - خدا ناکرده - هواها و القاءات دشمن دیرین قسم خورده‌مان، مجال آن اندازه را ندهد، بر کنترل احساسهای خود تا زمانی که به امید خدا همدیگر را ببینیم، تسلط یابید. اگر تا این حد هم پیش نیاید، به خدایی که علیرغم همه‌ی خطاهایم در یتیم در خدمت به بندگانش زیغی نبوده، در آخرت آن روز نهانیها رو شوند، قبل از دشمنان معلوم سابق و لاحق، به شکایت از شما در حضور خدا و شاهد اولمان - صلوات الله وسلامه علیه و آله - خواهم پرداخت که چنان کردید که برای دین و امتش کم‌خیر گردید. وَ لَاحَوْلَ وَ لَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

برادر دلسوز و دلسوخته‌تان: احمد

۶۷/۸/۵

کاکه هادی علاوه بر رسانیدن نامه، زحمت توضیحات را نیز به عهده دارد.

۱- قصیده‌ی برثیه امام بوسیری